حمایت علمای شیعه از حکومت عثمانی در جنگ جهانی اول

(23:32)

در آن صفحه امضاء عثمانی، به ترکیه تبدیل شده است. تغییر دادهاند یا ندادهاند؟ من نمیدانم. نشده ببینم. ببینم امضاء حکومت عثمانی قبل از جنگ جهانی اول در سندهای بینالمللی چه بوده! خوب است آدم ببیند. حکومت عثمانی که چیزی نبود. ولی نسبت به این سند، عثمانی ها نفوذی داشتند؟ روشن فکرهایی که در اواخر حکومت عثمانی خیلی فعال شده بودند؟

حاج آقا مکرر در مکرر با چه ناراحتی ای از این مصطفی کمال یاد میکردند! لعنش میکردند که حکومت عثمانی را از هم پاشید. نظر ایشان این بود. میگفتند این خیانت کرد. واالّ عثمانی اینطوری نبود که به این زودی از هم بپاشد. میگفتند مصطفی کمال، جایی که نیاز بود ارتش عثمانی برود، به فرماندهایش فحش تندی میداد که یعنی هیچ کاری از تو بر نمیآید. با این لحنهای تند این فرماندهای که میخواست به منطقهای برود که الان لشگر انگلیس بود، نمی گذاشت بروند. آن جایی که خبری نبود، با داد و فریاد میگفت: مملکت از دست رفت. چرا همت نمیکنید؟! اینها را به جایی میفرستاد که خبری نبود. به او گفته بودند اگر این را از بین ببری ما تو را رئیس میکنیم. الآن هم مجسمه آن هست. تعجب است!

(25:05)

شاگرد: عثمانی را او از بین برد؟

استاد: حاج آقا این جور میفرمودند. خب سنّش همان زمان است. هزار و هشتصد و هشتاد و چهار که گرینویچ را امضاء کردند، بود. نمیدانم چه کسانی بودند که امضاء کردند. علی ای حال از بین رفتن ِحکومت عثمانی خیلی سخت بود. حاج آقا میفرمودند: اولین باری که هواپیمای انگلیسیها به نجف آمد، یکی از عزیزان و بزرگان بود که میگفت شما نمی فهمید...؛ میگفتند: خودش را زد تا وفات کرد. سبحان الله!

شاگرد: چه کسی؟

استاد: شاید اسمش را نفرمودند. میفرمودند آن آقا. باید ببینیم در جای دیگر اسم او را فرمودهاند یا نه. «سوّ الله وجوهکم! مات الاسلام! چه خبرها؟!». شما که طلبه هستید میدانید مرحوم آقای شریعت چه کسی هستند. آقاشیخ فتح الله شیخالشریعه اصفهانی از بزرگان علمای معاصری ماننِد آسید محمدکاظم، میرزا و آخوند هستند. خیلی بزرگ هستند. چه کتابهایی دارند و مرجعیت داشتند. وقتی حکومت عثمان در جنگ جهانی اول درگیری داشت، خودِآقای شریعت، پیرمرد مرجع به جبهه رفتند. حاج آقا مکرر میفرمودند: پل چوبی بود؛ میخواستند از شط در بشوند، آقای

شریعت هم سمین بودند، به شط افتادند. عراقی ها دویدند؛ حاج آقا می‌فرمودند: داد زدند: «خذوه؛ هذا علامة، کبیر»! یعنی می‌خواستند بگویند ایشان یک آدم عادی نیست که سهل انگاری کنید. لذا دویدند و ایشان را از شط نجات دادند. یعنی ببینید چه سختی‌هایی! یک پیرمرد به آن جا برود!

آسید محمد کاظم به‌شدت با مشروطه ضد بود. نمی‌دانم چرا! با این‌که قبلش در عثمانی، روشن فکران عثمانی زودتر از ایران فعال شده بودند. ایشان به‌شدت با مشروطه ضد بود. از آسید محمد کاظم معروف است. اما وقتی حکومت عثمانی می‌خواست از بین برود، حاج آقا مکرر فرمودند، پسرشان را به عشائر عراق فرستادند. چون نفوذ آسید محمد کاظم در عشائر خیلی زیاد بود. آخوند نداشتند. ایشان توسط پسرشان لشگر مفصلی از عشائر عراق جمع کرد تا به تعبیر حاج آقا بر لَه ِعثمانی و عَلَیه ِانگلیس بجنگند و اینها که کفر دارند نیایند. ثورة العشرین مرحوم میرزای [دوّم] بعد از این بود که انگلیسی‌ها آمدند. قبل از این‌که انگلیسی‌ها بیایند این علماء به این صورت زحمت کشیده بودند. ولی خب مقدّر این جور بود. هر چه بود کردند. اصلاً بعضی چیزها؛ این فاصله‌ها! قیمومیت فرانسه بر سوریه و لبنان، قیمومیت انگلیس بر فلسطین. چه روزهایی گذشت بعد از فروپاشیدن عثمانی! خلاصه روزگار سختی بوده. بعد از جنگ جهانی دوم، دیگر مهمتر است. یعنی یک چیزهایی که حاکم ِمَگو است! الانش هم هست. هشتاد سال هم نگه داشته اند. حاکم ِمَگوها خیلی مهمتر است. من طلبه سر در نمی‌آورم. کسانی که آگاه هستند اگر به آن‌ها توجه نکنند، اشتباهات مهمی می‌کنند. چون نمی‌دانند که الآن چیست. در برخی از علوم می‌گویند: متغیرهای پنهان. متغیرهای پنهان که دخالت دارد کم نیست.

بازبینی #1
ایجاد شده 24 ژانویه 2026 15:37:49 توسط ... .
به روزرسانی شده 24 ژانویه 2026 15:39:11 توسط ... .